

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس خارج فقه نظام سیاسی اسلام آیت الله اراکی رحمته الله علیه «جلسه ۶۲»

سال تحصیلی ۹۹ - ۹۸

روایت دیگر در خصوص اینکه تأمین نیازمندان باید به حد متوسط اجتماعی باشد:

- در مرسله حماد که در گذشته به مناسب آن را ذکر کرده ایم آمده است: «فَأَخَذَهُ الْوَالِي فَوَجَّهَهُ فِي الْجَهَةِ الَّتِي وَجَّهَهَا اللَّهُ عَلَى ثَمَانِيَةِ أَصْهُمٍ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَفَةِ فَلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْعَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ ثَمَانِيَةَ أَصْهُمٍ يَقْسِمُ بَيْنَهُمْ فِي مَوَاضِعِهِمْ بِقَدَرِ مَا يَسْتَغْنُونَ بِهِ فِي سَنَتِهِمْ بِلَا ضَيْقٍ وَلَا تَقْتِيرٍ فَإِنْ فَضَلَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ رُدَّ إِلَى الْوَالِي وَإِنْ نَقَصَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ وَلَمْ يَكْتَفُوا بِهِ كَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُمَوِّنَهُمْ مِنْ عِنْدِهِ بِقَدَرِ سَعَتِهِمْ حَتَّى يَسْتَغْنُوا»<sup>۱</sup>.

که در این روایت بحث، بحث سعه است و نه بحث تأمین ما یحتاج اولیه و قدر متیقن از سعه، حد متوسط زندگی جامعه است.

ادله عنصر سوم در «غنا» یعنی ادله ای که بازه زمانی تأمین نیازمندان را مشخص می کند و بیان می کند که تأمین نیاز نیازمندان باید برای بازه یک ساله باشد و هر سال بررسی شود که اگر آن شخص هنوز نیازمند است، برای یک سال دیگر او را تأمین کنند.

- روایت مرحوم صدوق در علل که سندش هم صحیح است: «أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الدَّعْجِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَنِ السَّائِلِ وَعِنْدَهُ قُوتٌ يَوْمٍ أَيْجَلُ لَهُ أَنْ يَسْأَلَ وَإِنْ أُعْطِيَ شَيْئاً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَسْأَلَ يَجِلُّ لَهُ أَنْ يَقْبَلَهُ؟ قَالَ: «يَأْخُذُهُ وَعِنْدَهُ قُوتٌ شَهْرٍ وَمَا يَكْفِيهِ لِسَنَةٍ مِنَ الزَّكَاةِ لِأَنَّهَا إِنَّمَا هِيَ مِنْ سَنَةٍ إِلَى سَنَةٍ»<sup>۲</sup>.

۱. کافی، ج ۱، ص: ۵۴۱.

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص: ۳۷۱.

- مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُفِيدُ فِي الْمُقْنَعَةِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: «تَحْرُمُ الزَّكَاةُ عَلَى مَنْ عِنْدَهُ قُوَّةُ السَّنَةِ وَتَجِبُ الْفِطْرَةُ عَلَى مَنْ عِنْدَهُ قُوَّةُ السَّنَةِ»<sup>۱</sup>.

- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: «يَأْخُذُ الزَّكَاةَ صَاحِبُ السَّبْعِمِائَةِ إِذَا لَمْ يَجِدْ غَيْرَهُ قُلْتُ فَإِنَّ صَاحِبَ السَّبْعِمِائَةِ تَجِبُ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ قَالَ زَكَاتُهُ صَدَقَةٌ عَلَى عِيَالِهِ وَلَا يَأْخُذُهَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ إِذَا اعْتَمَدَ عَلَى السَّبْعِمِائَةِ أَنْفَقَهَا فِي أَقَلِّ مِنْ سَنَةٍ فَهَذَا يَأْخُذُهَا وَلَا تَحِلُّ الزَّكَاةُ لِمَنْ كَانَ مُحْتَرِفًا وَعِنْدَهُ مَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ»<sup>۲</sup>؛ چون هفصد درهم به حد نساب رسیده است حضرت می فرماید زکات او این است که برای عیال خودش خرج کند و نمی تواند زکات بگیرد مگر اینکه اگر این هفتصد درهم را خرج کند البته خرج بدون اسراف و در حد متوسط جامعه خرج کند، -مثلا ماشین بخرد و برای ازدواج فرزندش خرج کند و حتی در روایات داریم حج برود-، اگر این مخارج را در حد متوسط انجام داد و این هفتصد درهم کفاف سال او را نداد، می تواند زکات بگیرد.

- در ذیل روایت عبد الرحمن حجاج از امام صادق علیه السلام آمده است: «فَإِنَّ النَّاسَ إِنَّمَا يُعْطَوْنَ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ فَلِلرَّجُلِ أَنْ يَأْخُذَ مَا يَكْفِيهِ وَيَكْفِي عِيَالَهُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ»<sup>۳</sup>.

بنابراین مشخص شد که برای تحقق مفهوم «غنا» وجود سه عنصر لازم است که اگر هر یک از این سه نباشند، شخص نیازمند می شود:

۱. تأمین نیاز؛ یعنی برای تحقق غنای شخص نیازهای اولیه او باید تأمین شده باشد.
۲. تأمین نیاز در حدی باشد که نیازمند را به حد زندگی متوسط اجتماعی برساند؛ نه اینکه فقط قوت لایموت داشته باشد.

۱. وسائل الشیعة، ج ۹، ص: ۳۲۳.

۲. کافی، ج ۳، ص: ۵۶۰.

۳. وسائل الشیعة، ج ۹، ص: ۲۶۱.

۳. حداقل این تأمین نیاز برای مدت یک سال است.

### ملاکهای استحقاق:

استحقاق مالی بر دو نوع است:

۱. استحقاق عام؛ یعنی استحقاقی که همه مردم در آن شریک اند که این نوع استحقاق سه

ملاک دارد:

الف: اموالی باشد که خداوند فرموده مال، مال مسلمین است.

ب: خدمات عمومی که به مردم داده می شود.

ج: مازاد هزینه های دولت - اعم از هزینه های جاری و هزینه هایی که به نیازمندان برای رفع

فقر می دهد و... - که باید بین مردم تقسیم شود.

۲. استحقاق خاص؛ که به سبب خاص شخص مستحق می شود که بر چهار نوع است:

الف: ارث.

ب: نتیجه عمل و کار؛ مثل اینکه نقاشی نقاشی ای می کشد که این نتیجه عمل اوست.

ج: مزد عمل؛ که این غیر از نتیجه عمل است که با امر شخصی به دیگری برای انجام کار

و فعلی، او مستحق مزد می شود و اگر شما به کسی امر کردی و گفتی: «این کار را بکن» او حق

مطالبه اجرت دارد.

د: ضمان.

پایان